

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هدیه های آسمان

تعلیم و تربیت اسلامی

چهارم دبستان

(اجرای آزمایشی)



۱۳۹۳

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری
نام کتاب: هدیه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) (اجرای آزمایشی) چهارم دبستان - ۱۷/۵
شورای برنامه‌ریزی و تألیف: فریال آمار، محمد مهدی اعتصامی، سید محمد دلبری، الهه ستوده، یاسین شکرانی،
عبدالکریم صالحی، سید سجّاد طباطبایی‌نژاد، حسن فلاّح، مریم قربانی، محمود متوسّل آرائی و رضا نباتی
مؤلفان: مرتضی دانشمند، یاسین شکرانی، عبدالکریم صالحی و سید محمد مهاجرانی
آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره‌ی کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
مدیر امور فنی و چاپ: سید احمد حسینی
مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: حسین وهابی
تصویرگران: حسین آسیوند، علی ذوالفقاری، منصوره صحرایی و نفیسه صحرایی
طراح جلد: مجید ذاکری یونسی
حروفچین: زهرا ایمانی نصر
مصحح: فرشته ارجمند، نوشین معصوم دوست
امور آماده‌سازی خبر: سپیده ملک ایزدی
امور فنی رایانه‌ای: مریم دهقان زاده، راحله زاد فتح اله
ناشر: اداره‌ی کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش (شپید موسوی)
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،
وبسایت: www.chap.sch.ir
چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام» (www.Offset.ir)
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۳
حقّ چاپ محفوظ است.

شابک ۹-۲۳۸۸-۰۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-05-2388-9



کودکان دبستانی عزیزان من هستند.

امام خمینی (ره)

فهرست



درس ششم: **حرمی با دو گنبد ۴۲**



درس هفتم: **نماز در کوهستان ۴۸**



درس هشتم: **دیدار دوست ۵۳**



درس نهم: **کودک شجاع ۶۲**



درس دهم: **روشن ترین شب ۶۶**



۷۴

درس یازدهم:



درس دوازدهم: روزی برای تمام بچه‌ها



درس سیزدهم: خاله نرگس



درس چهاردهم: اولین بانوی مسلمان



درس پانزدهم: سه ماجرای زیبا



اسب طلایی ۹۹
درس شانزدهم:



آقای بهاری، خانم بهاری ۱۰۳
درس هفدهم:



چشمان همیشه باز ۱۰۸
درس هجدهم:



خدا چون از تو ممنونم ۱۱۴
درس نوزدهم:



همکار گرامی، معلم عزیز

سلام علیکم

با اهدای سلام و آرزوی توفیق و سلامتی برای شما همکار محترم؛ جهت پیشبرد بهتر فرایند یاددهی - یادگیری در آموزش این کتاب، توجه شما را به چند نکته جلب می‌نمایم:

۱- برای تدریس این کتاب، مراجعه به **راهنمای معلم** ضروری است. بخشی از محتوای آموزشی در کتاب راهنمای معلم قرار داده شده است و بدون مراجعه به آن فرایند آموزش تکمیل نخواهد شد. در بعضی از دروس مراجعه به راهنمای معلم در فعالیت‌ها با عنوانی خاص مورد تأکید قرار گرفته است که استفاده از مطالب راهنمای معلم در آن فعالیت‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

۲- در سال جاری برای درس هدیه‌های آسمان، کتاب کار جداگانه‌ای در نظر گرفته نشده است و محتوای آن در کتاب درسی ادغام شده است. بنابراین لازم است کلیه فعالیت‌ها در کلاس انجام شوند.

۳- تدریس برخی دروس می‌تواند به صورت پیمانه‌ای صورت گیرد. یعنی با توجه به مناسبت‌های گوناگون و یا احساس نیاز آموزگار، برخی دروس را خارج از ترتیب موجود می‌توان تدریس نمود.

۴- ارزشیابی درس هدیه‌های آسمان به صورت توصیفی صورت می‌پذیرد. جهت کسب اطلاعات بیشتر پیرامون شیوه‌ها و ابزار ارزشیابی، به کتاب راهنمای معلم مراجعه نمایید.

۵- جهت تحقق اهداف دروس، آیات و احادیث بسیاری به کار گرفته شده است، تا دانش آموزان به تدریج دریابند که دین را باید از منابع معتبر آن (کلام خدا و معصومان) که از هر خطا و اشتباه به دور هستند، دریافت نمایند.

۶- با توجه به اینکه تصاویر نقش مهمی در تثبیت اهداف درس دارند، لازم است همکاران محترم در راستای آموزش مفاهیم دروس، از شیوه تصویرخوانی نیز استفاده نمایند.

۷- محتوای آموزشی دروس هدیه‌های آسمان از اجزایی تشکیل شده است. به صورت خلاصه به این اجزا اشاره می‌شود. تفصیل مطالب در راهنمای معلم آمده است:

عنوان درس: عنوان به صورت مستقیم و غیر مستقیم، گویای چکیده و محتوای اصلی درس است و با ایجاد حس کنجکاوی در دانش آموزان، در جهت انگیزش آنها به یادگیری موضوع درس به کار می‌آید.

متن درس: شامل بخشی از مفاهیم و اهداف اصلی درس می‌باشد.

بدانیم: این بخش در راستای تقویت و تکمیل مفاهیم اصلی درس، در برخی دروس قرار داده شده است. لازم به ذکر است که محتوای این بخش جزء درس بوده و در فرایند آموزش نقش قابل توجهی ایفا می‌نماید.

علاوه بر سه بخش فوق که ارائه کننده مفاهیم درس هستند، فعالیت‌های متنوعی متناسب با هر درس طراحی شده است که با مشارکت دانش آموزان انجام می‌گیرد. انتظار می‌رود همه دانش آموزان در بخش‌های گوناگون درس مشارکت داشته باشند و اگر دانش آموزی در بخشی نتوانست فعالیت و مشارکت مؤثری داشته باشد، در بخش دیگر به او توجه شود.

فکر می‌کنم: این بخش جمع بندی و خلاصه درس به ویژه در حیطه شناختی از زبان دانش آموز است.

دوست دارم: این بخش به دنبال تقویت اهداف حیطه عاطفی بوده و دانش آموزان را به انجام فعالیتی عملی تشویق می‌نماید. درحقیقت دانش آموزان به آنچه در پیش فکر کرده‌اند و فهمیده‌اند، ابراز علاقه می‌کنند.

گفت‌وگو کنید : در این بخش دانش آموزان با هدایت و نظارت آموزگار به سؤالات مطرح شده پاسخ می‌دهند و با

جمع بندی آموزگار، مفاهیم درس تثبیت می‌شود.

بگرد و پیدا کن : این بخش نقش تمرینی در جهت تثبیت مفاهیم درس داشته و موجب تعمیق یادگیری می‌گردد.

بیندیشیم : این بخش، مفاهیم درس را در قالب آیات و احادیث کوتاه جمع بندی و نتیجه گیری می‌نماید و مفاهیم

دینی را از زبان منابع اصیل آن (قرآن و معصومان) در اختیار دانش آموزان قرار می‌دهد. هدف از این قسمت، تقویت مهارت تفکر دانش آموزان در آیات قرآن و احادیث معصومان (علیهم السلام)، در راستای اهداف درس می‌باشد. از دانش آموزان بخواهید پس از خواندن عبارات و ترجمه آن، درباره معنای آن‌ها با کمک فعالیت‌هایی که در کتاب آمده است، با یکدیگر گفت‌وگو کنند و در راستای اهداف درس مفاهیم را استنباط نمایند. این کار می‌تواند در گروه‌های دو یا سه نفره صورت پذیرد. آموزگاران محترم، زمینه بحث و گفت‌وگوی دانش آموزان را در این قسمت فراهم آورند و از سخنرانی درباره معنای آیات قرآنی و احادیث اجتناب نمایند.

ببین و بگو : این قسمت با تأکید بر شیوه تصویرخوانی، مفاهیم درس را تعمیق می‌بخشد. آموزگاران گرامی برای

اطلاع از شیوه تصویرخوانی در آموزش، به راهنمای معلم مراجعه نمایند.

با هم بخوانیم : این بخش معمولاً شامل شعری در موضوع درس است که توسط دانش آموزان هم خوانی می‌شود.

تعدادی از اشعار هم در راهنمای معلم آمده است.

بازی، نمایش : محتوای برخی دروس به صورت نمایش در کلاس اجرا می‌شود. جهت جدّایت بیشتر این فعالیت،

آموزگاران می‌توانند امکانات لازم برای نمایش را در کلاس تدارک ببینند. این بخش با قرار دادن دانش آموزان در موقعیتی فرضی، اهداف درس را تثبیت و تعمیق می‌نماید.

خاطره گویی : دانش آموزان در این قسمت، میان اهداف و مفاهیم درس و زندگی روزمره خود ارتباط برقرار

می‌سازند.

کامل کنید : این بخش با برقراری ارتباط میان مفاهیم درس، به تثبیت اهداف کمک می‌کند. دانش آموزان در این

بخش پاسخ‌ها را در کتاب یادداشت نموده و آموزگار نظارت می‌نماید.

با خانواده : این بخش با هدف بسط یادگیری و تقویت نگرش دانش آموز به مفاهیم دینی در میان اعضای خانواده،

برای بروز رفتار دینی وی قرار داده شده است. انتظار می‌رود والدین گرامی، همراهی لازم را جهت انجام این بخش با دانش آموز مبذول نمایند.

آرزوی گروه قرآن و معارف اسلامی، توفیق روزافزون همکاران عزیز در رشد و پرورش دینی امیدهای آینده کشور

است. پایگاه اینترنتی گروه با قرار دادن اخبار، بخشنامه‌ها، نسخه‌های الکترونیکی کتاب‌های درسی، متون کمک آموزشی، کتب راهنمای معلم و... در خدمت شما آموزگاران گرامی می‌باشد.

گروه قرآن و معارف اسلامی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

quran-dept.talif.sch.ir

دانه‌ای که نمی‌خواست بروید!

ناراحت و نگران در زیر خاک نشسته بود! دلش نمی‌خواست جوانه بزند!
بهار شده بود و دانه‌ها کم‌کم سرشان را از خاک بیرون می‌بردند؛ اما این دانه از رویدن می‌ترسید!
درخت هلویی در نزدیکی او بود.
یکی از ریشه‌های این درخت که خیلی به دانه نزدیک بود، به او گفت:
دانه جان! چرا جوانه نمی‌زنی؟ چرا از خاک بیرون نمی‌روی؟
دانه گفت: همین‌جا که هستم خیلی خوب است! برای چه بیرون بروم؟
از کجا معلوم؟ شاید همین که سرم را از خاک بیرون ببرم، بی‌آب و غذا و گرسنه بمانم.
ریشه لبخند زد و گفت:
دوست عزیز چه فکرهای عجیبی می‌کنی؟!
بین! یک درخت هلوی خیلی بزرگ در چند قدمی تو است. من یکی از ریشه‌هایش هستم. این درخت،



روزی فقط یک هسته‌ی کوچک بود و در زیر خاک خانه داشت؛ درست مثل تو.
بعد جوانه زد و کم‌کم از خاک بیرون آمد. همین‌که بیرون رسید، دید که همه چیز برای رشدش آماده شده است، نور، گرما، آب و هوا.
سپس کم‌کم قد کشید و حالا برای خودش درختی بزرگ و زیبا شده است، با شاخه‌هایی پر از برگ و هلوهای درشت و خوش‌رنگ و شیرین.
کم‌کم ترسِ دانه ریخت و دلش گرم شد و جوانه زد.
چند روز بعد، دانه آماده شد از خاک بیرون بزند.
صبح زود بود! دانه آرام سرش را از خاک بیرون آورد. به دور و برش نگاه کرد، صد تا مثل خودش دید!

– وای خدای من! چه جای بزرگی! چه باغ زیبایی! چه نسیم خنکی!
در همین لحظه پروانه‌ای دور او چرخید و کنارش نشست و به او لبخند زد و گفت:



سلام گیاه کوچولو. تولدت مبارک! به جمع ما خوش آمدی!

گیاه کوچولو هم خندید.

— سلام دوست عزیز!

پروانه گفت: باغ ما خیلی زیبا و بزرگ است. پر از گل و گیاه و پروانه و پرنده است.

در این باغ هر چه که نیاز داشته باشیم برای ما فراهم است.

پروانه با بال‌های لطیفش گیاه کوچولو را نوازش کرد و ادامه داد:

خورشید گرم‌تر می‌کند. چشمه به تو آب می‌دهد. خاک به تو غذا می‌دهد. نسیم خنک‌تر می‌کند و

بلبل‌ها برایت شعر می‌خوانند. اینجا خیلی زیباست!

گیاه کوچولو با چشم‌های درخشان به آسمان آبی نگاه کرد. خیلی خوشحال بود. پایش در دل زمین

بود و سرش رو به خورشید.

با خودش گفت: چه خوب شد که سر از خاک بیرون آوردم. چه دنیای قشنگی! چه زندگی زیبایی!





دانه برای رشد به چه چیزهایی نیاز دارد؟



درباره‌ی رشد این جانوران چه اطلاعاتی دارید؟
در گروه‌های خود مشورت کنید. سپس هر گروه اطلاعات خود را برای سایر گروه‌ها بیان کند.



آن‌ها برای رشد به چه چیزهایی نیاز دارند؟
این آیه را بخوانید. با استفاده از این جانوران، کدام یک از نیازهای ما برطرف می‌شوند؟

وَ الْاَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعُ وَ مِنْهَا تَاْكُلُوْنَ

و (خدا) چهارپایان را آفرید در حالی که در آن‌ها، برای شما وسیله‌ی پوشش و منافع
دیگری است و از گوشت آن‌ها می‌خورید!

سوره‌ی نحل؛ آیه‌ی ۵

شما چه نیازهای دیگری می‌شناسید که با این جانوران برطرف می‌شود؟



غذا خوردن خود را با یک نوزاد مقایسه کنید.
در کتاب علوم سال گذشته خواندیم که بدن انسان برای رشد به چهار گروه موادّ غذایی نیاز دارد.
نیازهای یک نوزاد به این چهار گروه موادّ غذایی چگونه برطرف می‌شود؟



چه اتفاقی می‌افتاد اگر...

..... همیشه روز بود،

.....

..... همیشه زمستان بود،

.....

..... همه‌ی دندان‌ها یک شکل بودند،

.....

..... در کودکی نمی‌توانستی بخندی یا گریه کنی،

.....



خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا... وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خدا هر آنچه را در زمین وجود دارد برای شما آفرید ... و او به همه چیز آگاه است.

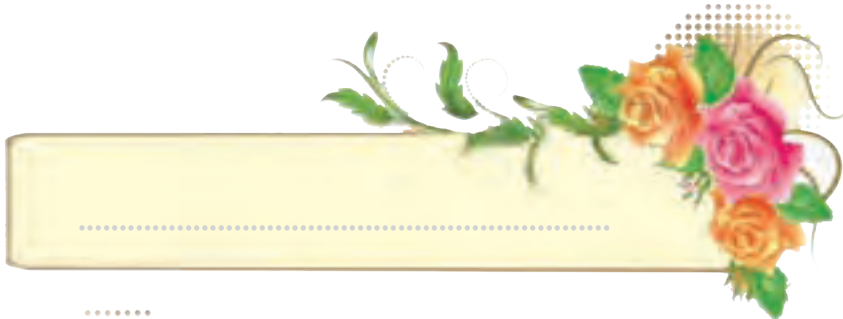
سوره ی بقره، آیه ی ۲۹

چه ارتباطی میان این آیه و موضوع درس وجود دارد؟



تشکر از خدا

امروز به کدامیک از نیازهایت توجه کرده‌ای که خداوند از آن‌ها آگاهی داشته و آن‌ها را برطرف کرده است؟ نیازهایی که دیده‌ای و یا تجربه کرده‌ای و حالا می‌خواهی به خاطر رفع آن‌ها از خدا تشکر کنی را بنویس.



کودکی بر آب

درس ۲

سراسیمه از خواب پرید. خواب آشفته‌ای دیده بود!
نگران و خشمگین دستور داد پیشگویان کاخ را حاضر کنند. خواب خود را برای
آن‌ها تعریف کرد و آن‌ها با ترس گفتند:
به زودی در این سرزمین پسری به دنیا می‌آید که حکومت شما را به خطر می‌اندازد!
فریاد فرعون در کاخ پیچید:
از امروز هر نوزاد پسری که به دنیا آمد، فوراً او را از بین ببرید!



مادر با مهربانی کودکش را در آغوش فشرد. یک‌بار دیگر او را شیر داد و لباس
سفیدش را مرتب کرد.
دست‌های کوچک پسرک به سوی مادر دراز شده بود.
مادر لبخند غمگینی زد و گونه‌های نرم فرزندش را بوسید.
او را از خود جدا کرد و با دلی امیدوار به لطف خدا،
درون صندوق خواباند.
کودک بی‌گناه اکنون باید به سفری پر خطر
می‌رفت.
قطرات اشک از چشم‌های مادر
به زمین می‌افتاد. صندوق را برداشت و به
آرامی روی آب گذاشت.
صندوق بالا و پایین می‌شد و در مسیر
رودخانه‌ی بزرگ نیل، به پیش می‌رفت.
مادر رو به دخترش کرد و گفت: صندوق را دنبال کن و چشم از برادرت برندار!
خواهر موسی اشک‌هایش را پاک کرد و در طول ساحل به راه افتاد.



فرعون، پادشاه مصر، به همراه همسرش آسیه در ساحل نیل قدم می‌زدند. فرعون در میان موج‌های کوتاه و بلند رودخانه، صندوقی را دید که به نرمی بالا و پایین می‌رفت. صندوق روی آب پیش آمد و در نزدیکی او و آسیه، در میان تنه‌های درختان ساحلی، آرام گرفت. با دستور فرعون، چند خدمتکار صندوق را از آب گرفتند.



وقتی صندوق در برابر فرعون و آسیه قرار گرفت، نگاه آن‌ها به کودکی افتاد که درون صندوق دست و پا می‌زد و به آن‌ها نگاه می‌کرد.

فرعون فریاد زد: این کودک اینجا چه می‌کند؟! مگر دستور ندادم هر نوزاد پسری که به دنیا می‌آید، نابود شود؟

و بعد حرف‌های پیشگویان را با خود مرور کرد ...

و این‌بار بلندتر فریاد زد: این کودک را هم مانند دیگر کودکان از بین ببرید! آسیه که سال‌ها آرزو داشت فرزندی داشته باشد، شیفته‌ی این کودک شده بود. به فرعون رو کرد و با ملایمت گفت:

این کودک می‌تواند نور چشم من و تو باشد. او را نکش! شاید برای ما سودی داشته باشد؛ و یا شاید بتوانیم او را به فرزندی قبول کنیم!

فرعون که فرزندی نداشت، با شنیدن حرف‌های آسیه به فکر فرو رفت.

نوزاد انگشتش را از دهانش بیرون آورد و صدای گریه‌اش بلند شد.

آسیه کودک را از داخل گهواره برداشت. به زن‌هایی که دورش را گرفته بودند، گفت: باید زودتر یک نفر را پیدا کنیم، تا به این کودک شیر بدهد. دیگر تحمّلش تمام شده است!

مأموران دربار فرعون روانه‌ی شهر شدند تا دایه‌ای برای نوزاد گرسنه پیدا کنند.

زن‌های زیادی به نزد کودک آمدند؛ اما بی‌فایده بود. کودک شیر نمی‌خورد.

خواهر کودک که از دور ماجرا را زیر نظر داشت، نزدیک شد و گفت: می‌خواهید زنی را به شما معرفی کنم که سرپرستی این کودک را به عهده بگیرد و او را شیر بدهد؟

خیلی زود خبر را به آسیه رساندند و آسیه بی‌درنگ مادر موسی را به دربار دعوت کرد.



وقتی کودک در آغوش مادرش جای گرفت، آرام شد.
مادر موهای نرم موسی را با انگشت‌هایش نوازش کرد. اشک شادی را در پشت پلک‌هایش نگه داشت
و به لطف خداوند فکر کرد. خداوند بزرگی که کودکش را در سلامت کامل به او بازگردانده بود.

بدانیم

حضرت موسی علیه السلام یکی از پیامبران بزرگ خدا بود که از سوی خدا برای مبارزه با فرعون و هدایت قوم بنی اسرائیل فرستاده شده بود. وقتی ایشان به پیامبری رسید، آسیه به او ایمان آورد. فرعون از شنیدن این خبر خشمگین شد و آسیه را تهدید کرد تا دست از ایمان خود بردارد؛ اما آسیه در ایمان خود استوار باقی ماند.

این بانوی مؤمن، یکی از بهترین زنان عالم است که تا آخرین نفس در برابر ظلم و ستم فرعون ایستادگی کرد و با شجاعت از دنیا رفت. او به مردان و زنان با ایمان آموخت که هرگز از مبارزه با ستمکاران نهراسند. خدا در قرآن این بانوی نیکوکار را الگوی مؤمنان معرفی می‌کند.

برایم بگو

خلاصه‌ی داستان «کودکی بر آب» را از زبان یکی از این شخصیت‌ها برای دوستانت تعریف کن.

خواهر موسی

آسیه

حضرت موسی علیه السلام



بگرد و پیدا کن

خانه‌های مربوط را به هم وصل کن.

به خطر افتادن حکومت

خواست و اراده‌ی خدا

حتّی در کاخ فرعون و در مقابل همسر

وعدۀ خدا

سالم برگشتن کودک

ترس و دلهره‌ی فرعون

شیر نخوردن کودک از زنان شهر

مبارزه با ستم

کدام آیه به کدام تصویر مربوط است؟



۲

خداوند بزرگ کودکش
را در سلامت کامل به او
بازگردانده
بود.
(سوره‌ی قصص؛ آیه ی ۷)



۱

این کودک می‌تواند نور
چشم من و تو باشد. او را
نکش.
(سوره‌ی قصص؛ آیه ی ۹)

صندوق را دنبال کن و
چشم از برادرت برندار!
(سوره‌ی قصص؛ آیه ی ۱۱)



۳



یک شعر و دو قصه

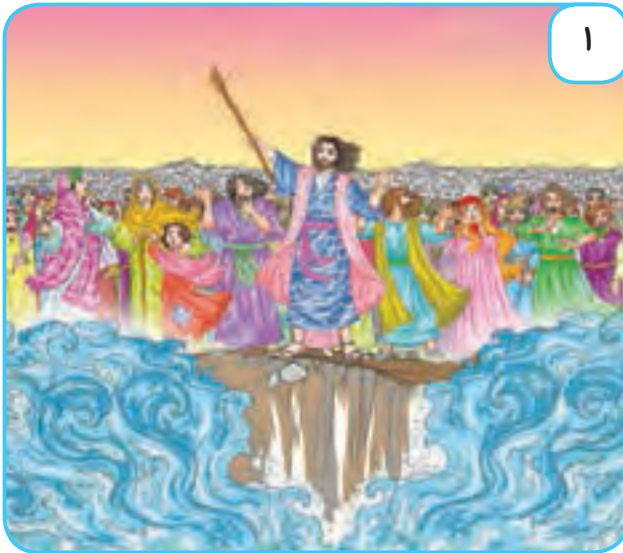
داستان این تصاویر را برای دوستانت تعریف کن.

کدام تصویر با شعر ارتباطی ندارد؟

آنچه می‌گوییم ما، آن می‌کنند
ما به سیل و موج فرمان می‌دهیم

رودها از خود نه طغیان می‌کنند
ما به دریا حکم طوفان می‌دهیم

پروین اعتصامی



۱



۲



۳



گفت‌وگو کنید

خدای مهربان همیشه و همه جا پشتیبان انسان‌های خوب است. به نظر شما کدام بخش‌ها در داستان «کودکی بر آب»، به مهربانی خدا اشاره می‌کند؟

ما به مسجد می‌رویم

در همه جای دنیا، در روستاهای کوچک و شهرهای بزرگ، بر روی تپه‌ها و کنار دریاها، هر جا که مسلمانان زندگی می‌کنند، مسجدها هم هستند.

شکل ظاهری مسجدها با هم فرق دارد. بعضی از آن‌ها بزرگ و باشکوه و بعضی کوچک و ساده‌اند. اولین مسجدی که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و یارانش ساختند، نزدیک شهر مدینه بود. این مسجد قبا نام دارد و هنوز پابرجاست و مسلمانان زیادی در آن عبادت می‌کنند. پیامبر و یارانش در شهر مدینه به کمک یکدیگر مسجدی ساختند که هم‌اکنون به مسجد النبی (مسجد پیامبر) معروف است. آرامگاه پیامبر نیز در همین مسجد قرار دارد.

مساجد نقش‌های مختلفی در زندگی مسلمانان دارند و از جایگاه مهمی در میان ایشان برخوردار هستند.

مراجعه به راهنمای معلم^۱

هر تصویر به کدام یک از کارهای پسندیده در مسجد اشاره می‌کند؟
شما چه کارهای پسندیده‌ی دیگری در مسجد انجام می‌دهید؟



۱ - این درس در مسجد تدریس می‌شود. برای توضیحات بیشتر به کتاب راهنمای معلم یا پایگاه اینترنتی گروه درسی قرآن و معارف اسلامی مراجعه شود.

۲



۳



۴



۵





بگرد و پیدا کن

پاسخ سؤالات را از میان کلمات داده شده پیدا کن و بنویس.

۱- خواندن نماز به صورت از مهم ترین آداب اسلامی و سفارش مهمّ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است.

۲- بهترین مکان برای خواندن نماز، است.

۳- صف های نماز جماعت باید به هم پیوسته و باشد.

۴- جمع شدن در مسجد، موجب مسلمانان می شود.

۵- یکی از فایده های نماز در مسجد، چاره جویی برای مسلمانان است.

۶- پاداش نماز جماعت خیلی بیشتر از نماز است.^۱

۷- رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس وضو بگیرد و به سوی نماز جماعت حرکت کند، برای هر که بر می دارد، خدا پاداشی به او می دهد.»

۸- در نماز جماعت باید تمام

کارها را بدون از امام انجام داد.

۹- ما نباید در نماز جماعت را بخوانیم.

۱۰- در نماز جماعت، خوب است ذکرهایی که همراه با

امام جماعت خوانده می شود را بخوانیم.



۱- نماز فردائی نمازی است که هر کس به تنهایی می خواند.

با دوستان خود در گروه مشورت کنید.
در هر تصویر چند اشتباه می بینید؟





نماز جماعت بخوانیم

شاید شما در مدرسه نمازخانه نداشته باشید اما می‌توانید وقتی هوا مناسب است با کمک آموزگار خود حتی در حیاط مدرسه، نماز خواندن به جماعت را تمرین کنید. برای این کار:

- ۱- وضو بگیرید.
- ۲- جای خوبی را برای نماز خواندن انتخاب کنید.
- ۳- زیرانداز مناسبی را پهن کنید.
- ۴- صف‌های منظمی را تشکیل بدهید.
- ۵- از آموزگار بخوانید تا امام جماعت شما باشد.
- ۶- یکی از دانش‌آموزان اذان بگوید.
- ۷- اکنون می‌توانید نماز جماعت بخوانید.

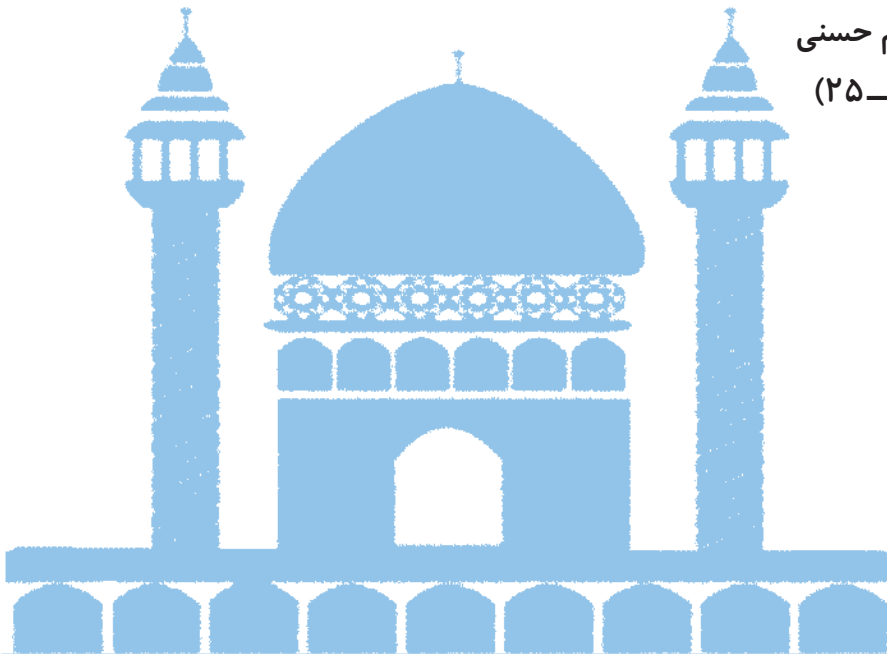
اگر بخوانید نماز ظهر را به جماعت بخوانید، به ترتیب چه می‌کنید؟

- ۱- بعد از امام جماعت تکبیر می‌گوییم.
 - ۲- در رکعت اول امام جماعت سوره‌ی حمد و سوره‌ی را می‌خواند ولی ما
 - ۳- سپس به رکوع می‌رویم.
 - ۴- و بعد دو بار و بعد دو بار
 - ۵- پس از دو بار سجده کردن می‌ایستیم و مثل رکعت اول و بعد دو بار سجده کردن می‌ایستیم.
 - ۶- در پایان رکعت دوم، تشهد می‌خوانیم.
 - ۷- در رکعت سوم و چهارم و بعد دو بار سجده کردن می‌ایستیم.
 - ۸- پس از دو سجده‌ی رکعت چهارم و بعد دو بار سجده کردن می‌ایستیم.
 - ۹- و و بعد دو بار سجده کردن می‌ایستیم.
- در تمام مدّتی که نماز جماعت می‌خوانیم، تمام اعمال نماز را از امام جماعت انجام می‌دهیم.



پاسخ پرسش‌های زیر را در خانه‌ها بنویسید.

- ۱- رساندن و غبار به حلق، روزه را باطل می‌کند. (۴-۱۸-۱۴) ←
- ۲- با هیچ بهانه‌ای نمی‌شود نماز را کرد. (۲۳-۱۵-۱۱)
- ۳- در هر رکعت نماز، دو بار انجام می‌دهیم. (۱۶-۲۶-۳-۵)
- ۴- چیزی که پرندگان ابابیل بر سر سپاه ابرهه می‌ریختند. (۷-۱۳-۱۰)
- ۵- نام هفتاد و ششمین سوره‌ی قرآن؛ به معنای «بشر». (۲۴-۹-۲-۶-۱۷)
- ۶- شاعر شیرازی که قرآن را حفظ بود. (۲۲-۲۱-۱۹-۲۰)
- ۷- حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در این شهر قرار دارد. (۲۵-۸)



حالا حروف جدول را به
ترتیب بخوانید
تا جمله‌ی زیر کامل شود:

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱ م
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲ س	۱۱	۱۰
*	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹

امام خمینی (ره): «.....»

به نظر شما منظور امام خمینی (ره) از این جمله چیست؟

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

زیبا و پاکیزه به مسجد بروید.

سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

فکر می‌کنید با انجام دادن چه کارهایی می‌توانیم به این آیه عمل کنیم؟

با هم بخوانیم

مثل نسیم

بر لبم ذکر و دعا
در دلم حمد و سپاس
پاک و خوشبو می‌شوم
مثل شبنم، مثل یاس

روشنی گل می‌کند
در فضای سینه‌ها
باز می‌خوانم نماز
در صف آینه‌ها

هادی فردوسی



می‌رسد از راه دور
نغمه‌ی سبز اذان
دست‌ها پل می‌زنند
از زمین تا آسمان

تا خدا پر می‌کشد
باز عطر یا کریم
سوی مسجد می‌روم
بی‌صدا مثل نسیم

با خانواده

۱- مهم‌ترین مساجد مسلمانان کدام است؟

۲- در مسجد محله‌ی شما چه برنامه‌هایی برگزار می‌شود؟ گزارشی از یکی از این برنامه‌ها تهیه کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

یک نماز و ده رکوع!

درس ۴

سینا کتاب «هدیه‌های آسمان» را در دست گرفته بود و دور اتاق قدم می‌زد و شعر می‌خواند:
خدایا! آفتاب و آب از توست ستاره، آسمان، مهتاب از توست
خدای غنچه‌های...

مادر بزرگ در گوشه‌ی اتاق نماز می‌خواند.

وقتی سوره‌ی حمد را خواند، گفت: «بسم الله الرحمن الرحيم» و بعد خم شد برای رکوع:

«سبحان الله سبحان الله سبحان الله»

سپس بلند شد و گفت: «قل هو الله احد»

و بعد دوباره به رکوع رفت!

سینا که با تعجب به مادر بزرگ

نگاه می‌کرد، با خود گفت:

چرا مادر بزرگ سوره‌ی توحید

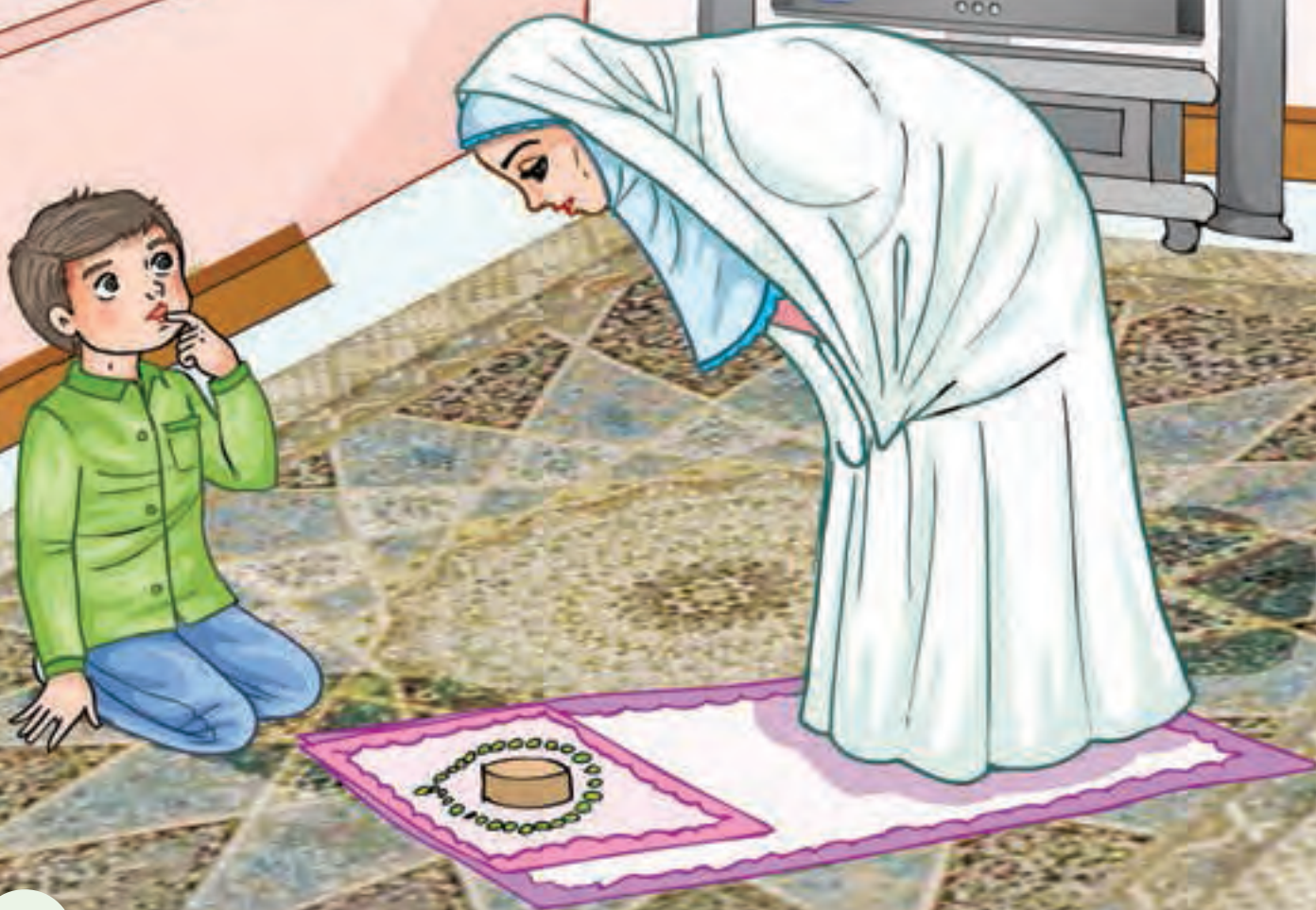
را کامل نخواند؟ چرا دوباره رفت به رکوع؟



مادر بزرگ در برابر چشم‌های تعجب‌زده‌ی سینا، سه بار دیگر هم به رکوع رفت!
هر بار که از رکوع بلند می‌شد، یک آیه‌ی دیگر از سوره‌ی توحید را می‌خواند.
سینا نگران شد! وای! مادر بزرگ فراموش کار شده است! خوب است کنار او بروم و بگویم که دارد اشتباه نماز می‌خواند.

و بعد با خود گفت: نه! کار خوبی نیست. بهتر است به مادرم بگویم و ببینم او چه نظری دارد!
سریع به طرف مادرش رفت. مادر هم در اتاق دیگر نماز می‌خواند. سینا کنار سجاده‌ی مادر نشست و منتظر ماند.

مادر سوره‌ی حمد را خواند و بعد گفت: «بسم الله الرحمن الرحيم» و به رکوع رفت.
سپس بلند شد و گفت: «قل هو الله احد» و دوباره به رکوع رفت!
سینا حسابی هاج و واج شده بود!



وای خدای من! مادرم هم مثل مادر بزرگ، فراموش کار شده است.

مادر سه بار دیگر هم به رکوع رفت و هر بار که از رکوع بلند می‌شد، آیه‌ای دیگر از سوره‌ی توحید را می‌خواند.

سپس مادر دو سجده کرد و از جا بلند شد و در رکعت دوم هم مثل رکعت اوّل پنج بار به رکوع رفت. وقتی نماز مادر تمام شد، سینا جلو دوید و دست به دور گردن مادر انداخت و گفت:

مادر جان چرا شما و مادر بزرگ امروز این‌طور شده‌اید؟

مادر با تعجب گفت: چه طور؟

سینا ادامه داد: به جای دو بار، ده بار به رکوع رفتید!

مادر لبخند زد و گفت: من و مادر بزرگ نماز آیات می‌خواندیم. وقتی ماه یا خورشید می‌گیرد، واجب است نماز آیات بخوانیم.

نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت پنج رکوع دارد.

سینا لبخند زد و گفت: چه نماز جالبی! خوب شد به مادر بزرگ چیزی نگفتم!

توجه سینا و مادر به خبر تلویزیون جلب می‌شود:

بینندگان محترم! از چند دقیقه پیش پدیده‌ی کسوف در آسمان ایران آغاز شده است...

تلویزیون خورشید گرفتگی را نشان می‌دهد و سینا به فکر فرو رفته است.

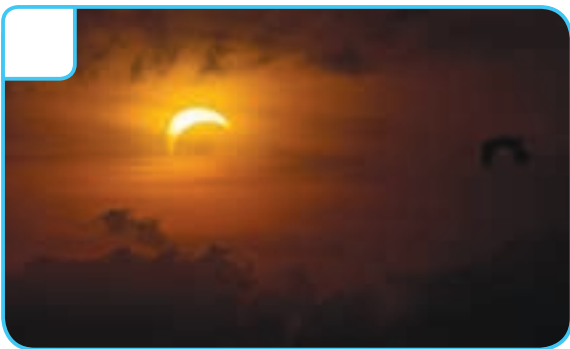
مادر می‌پرسد: به چه چیز فکر می‌کنی؟

سینا نگاهش را از تلویزیون برمی‌دارد و می‌گوید: به قدرت خدا فکر می‌کنم که چه نظم دقیقی در جهان وجود دارد و این همه سیّاره در آسمان به دور هم می‌چرخند. اگر کوچکترین اشتباه یا انحرافی رخ دهد، چه اتفاقی می‌افتد؟!



بگرد و پیدا کن

برای کدام یک از این حوادث، خواندن نماز آیات واجب می شود؟



حدس بزنید

رعد و برق شدیدی شده بود که تا حالا در شهر بی سابقه بود. همه وحشت کرده بودند! بعد از مدّتی مادر علی به نماز ایستاد، در حالی که وقت نماز نبود! حدس می زنید او چه نمازی می خواند؟



تنها یکی از این دانش آموزان، شکل صحیح خواندن نماز آیات را بیان می کنند. آن را مشخص کن.



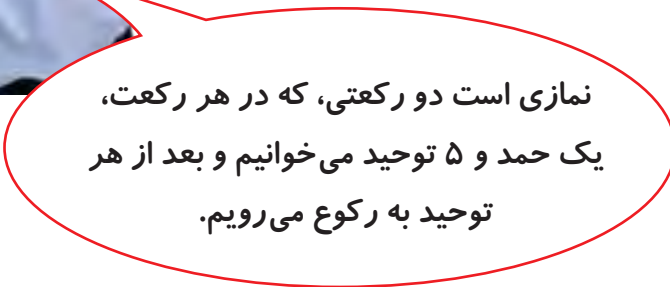
نمازی است که در آن ۵ تا نماز
دور رکعتی می خوانیم.



نمازی است دو رکعتی که در هر
رکعت، ۵ بار رکوع و سجده را
انجام می دهیم.



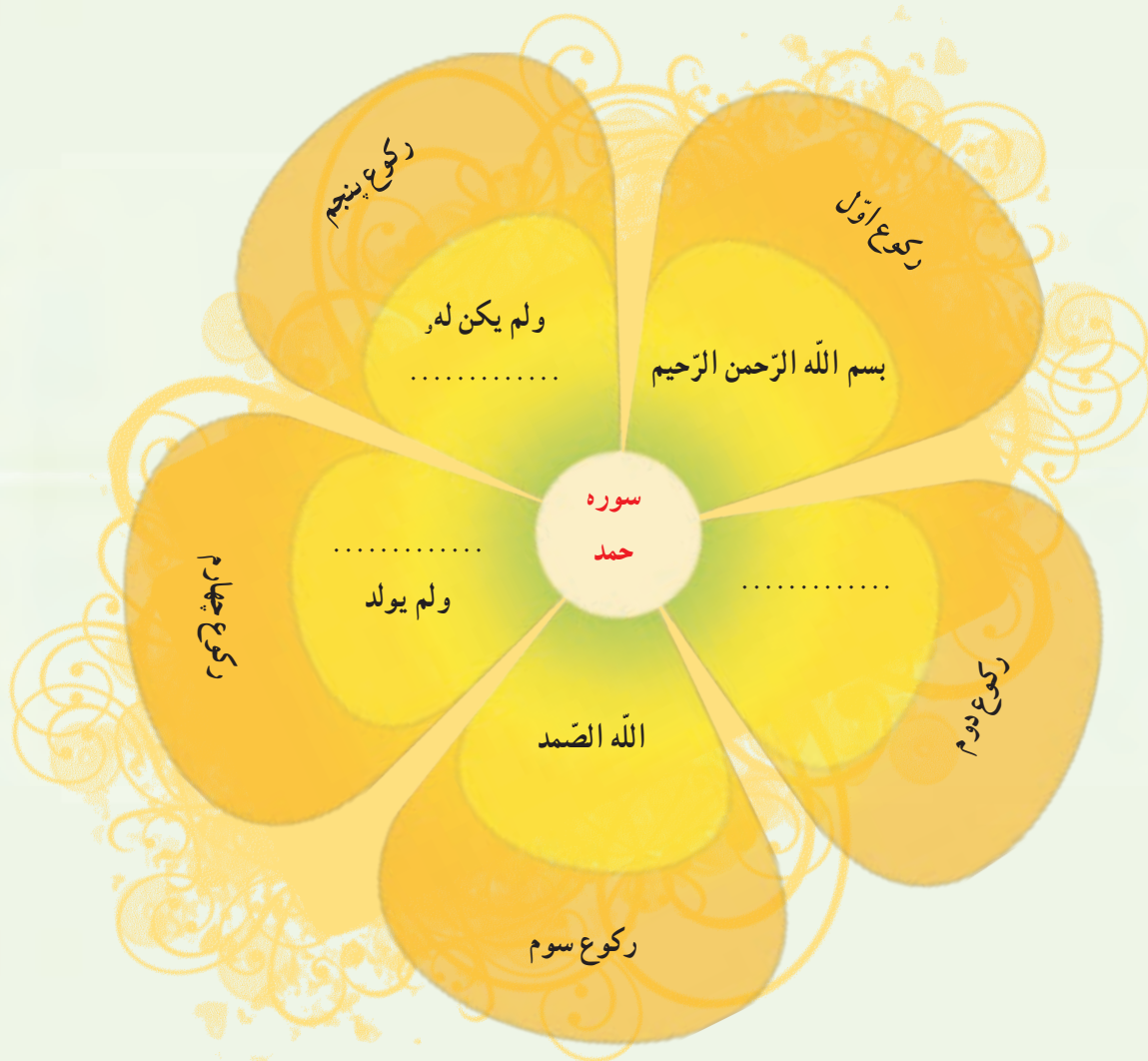
نمازی است دو رکعتی که در هر رکعت، یک حمد
می خوانیم و سوره را به پنج قسمت تقسیم می کنیم و
بعد از هر قسمت به رکوع می رویم.



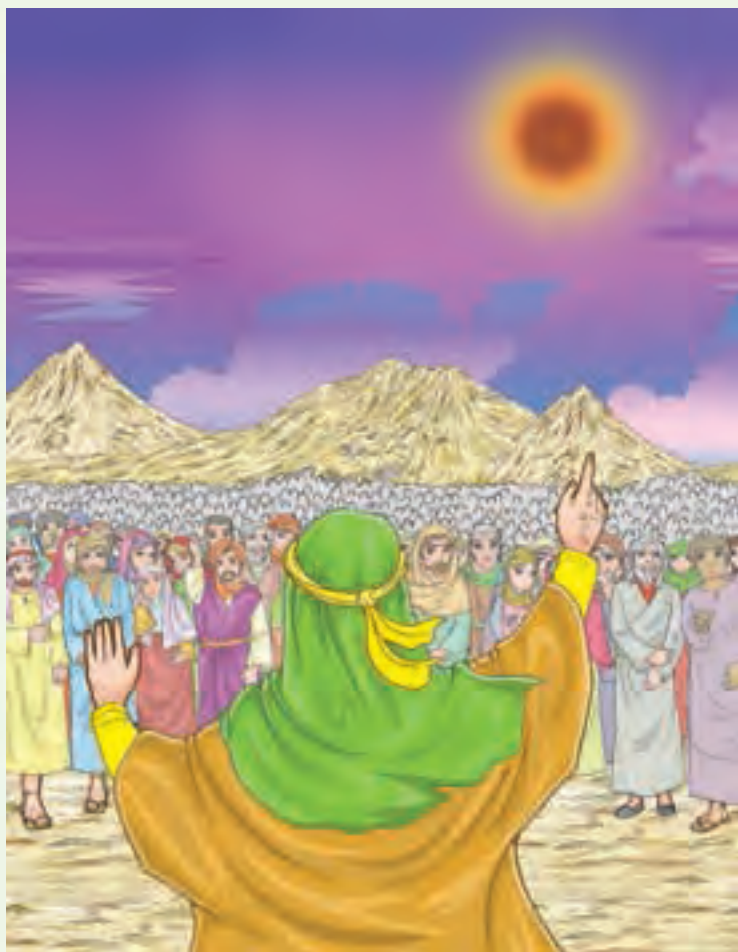
نمازی است دو رکعتی، که در هر رکعت،
یک حمد و ۵ توحید می خوانیم و بعد از هر
توحید به رکوع می رویم.



این شکل، یک رکعت از نماز آیات را نشان می‌دهد. آن را کامل کنید.



این متن را بخوانید و درباره‌ی پرسش مطرح شده با دوستانتان گفت و گو کنید.



پیامبر اسلام پسری به نام ابراهیم داشت. ابراهیم در کودکی از دنیا رفت. پیامبر از مرگ فرزندش بسیار غمگین شد، اما صبر خود را از دست نداد. اتفاقاً همان روز خورشید گرفت. بعضی از مردم تصوّر می‌کردند که خورشید در مرگ فرزند پیامبر عزادار شده است!

پیامبر اسلام که همیشه می‌کوشید مردم را از گمراهی نجات دهد، فرمود: خورشید گرفتگی به غم یا شادی ما ربطی ندارد، بلکه نشانه‌ای از نشانه‌های قدرت خدا و نظم جهان است. سپس به آن‌ها یاد داد که چگونه نماز آیات بخوانند و بزرگی و توانایی خدا را به یاد آورند. پیامبر به آن‌ها آموخت که نماز آیات مانند نماز صبح دو رکعت است؛ اما با آن تفاوت‌هایی دارد.

چه تفاوت‌هایی میان نماز صبح و نماز آیات وجود دارد؟



تمرین کنید

با کمک معلّم خود، خواندن صحیح نماز آیات را در مدرسه تمرین کنید.^۱



با خانواده

تحقیق کنید که آیا نماز آیات را به شکل دیگری نیز می‌توان خواند؟ چگونه؟

۱- آموزگاران محترم، تلاش نمایند تا همه‌ی دانش‌آموزان این فعالیت را در مدرسه انجام دهند.

سخنی که سه بار تکرار شد!

از روزی که به این محله آمده‌اند، یک روز خوش هم ندیده‌اند!
در طول روز از سروصدای زیاد همسایه در امان نبودند و نیمه‌های شب نیز از صدای بلند خنده‌های
آن‌ها خواب راحتی نداشتند.
صبر مرد تمام شده بود! تصمیم گرفت شکایت همسایه‌ی خود را به نزد پیامبر ببرد.



ای رسول خدا! از وقتی به این خانه آمده‌ام، از شرّ این همسایه در امان نیستم. روز و شب برای من و
خانواده‌ام باقی نمانده است.
لبخندی که همیشه بر لبان پیامبر بود، از صورتش محو شد.
آثار اندوه بر چهره‌ی ایشان به خوبی آشکار بود.
باید جلوی آزار این همسایه را می‌گرفت و او را از زشتی کارش باخبر می‌ساخت.
سه نفر از نزدیک‌ترین یاران خود را صدا کرد و به آن‌ها فرمود: سخنی را که اکنون به شما می‌گوییم،
بعد از نماز جماعت با صدای بلند در مسجد تکرار کنید تا همگان بشنوند.



نماز ظهر پایان یافت. علی علیه السلام،
ابوذر و سلمان که هر کدام در گوشه‌ای
از مسجد نشسته بودند، از جای خود
برخاستند و با صدای بلند، سه بار این
سخن را تکرار کردند:



رسول خدا فرمودند تا به شما اعلام کنیم که:
هر کس همسایه‌اش ...
هر کس همسایه‌اش از شرّ او در امان نباشد ...
هر کس همسایه‌اش از شرّ او در امان نباشد، مؤمن نیست.



گفت و گو کنید



پاس بده ...
 شوت کن ...
 گُل ... گُل ...
 در یکی از خانه‌ها باز شد. پیرزن همسایه
 بود. همان که مادرم می‌گفت مدّت‌هاست
 مریض است. رنگش پریده بود! کمی
 نگاهمان کرد. می‌خواست چیزی بگوید، اما
 نگفت.
 به بچه‌ها نگاه کردم. بازی متوقف شده بود.
 همه به فکر فرو رفته بودیم ...
 به نظر شما بچه‌ها به چه چیزهایی فکر
 می‌کردند؟

۱.
۲.

قصه را کامل کنید

هر کاری می‌کردم که حواسم به درس باشد، نمی‌شد.
 داشتم کلافه می‌شدم. پیش مادرم رفتم و گفتم: من دیگر تحمل ندارم!
 مگر با این همه سر و صدا می‌شود درس خواند؟ آخر این چه همسایه‌ای است؟!
 مادر گفت: به جای اینکه پشت سرشان چیزی بگویی، برو در خانه‌ی آن‌ها را بزن و بگو صدای تلویزیون
 را کم کنند.
 گفتم: خجالت می‌کشم!
 مادر گفت: گفتن حرف که خجالت ندارد! با و مؤدبانه خواسته‌ات
 را به آن‌ها بگو!

تصمیم گرفتم
